



تحلیل مفهومی و مصداقی شکر در صحیفه سجادیه

ریحانه صالحی نودز^۱، هادی زینی ملک آباد^۲، حسین خاکپور^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2025.29384.1082

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱



چکیده

شکرگزاری یکی از عناصر کلیدی در نظام ارزشی و روابط انسانی است؛ به گونه‌ای که در قبال نعمت‌های الهی، تجلی عبودیت، و در برابر نیکی‌های دیگران، نشانه‌ای از بلوغ اخلاقی و رشد اجتماعی محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف تحلیل جامع ابعاد مفهومی و مصداقی شکر در «صحیفه سجادیه»، به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از استقصای کامل فرازهای این اثر گران سنگ امام سجاده (ع)، سامان یافته است. در بخش مفهومی، شکر به مثابه عنصری هدایت‌گر معرفی می‌شود که از حیث پیوستگی و استمرار، ریشه در ازلیت و جاودانگی نعمت‌های الهی دارد و در عین حال، تمامی مراتب شکر در پرتو حمد و سپاس الهی معنا می‌یابد. در بخش مصداقی، سه گونه از شکر تفکیک و بررسی شده است: شکر خالق نسبت به مخلوق، شکر مخلوق نسبت به خالق و شکر مخلوق نسبت به مخلوق. یافته‌ها حاکی از آن است که شکر مخلوق نسبت به خالق، بیشترین بسامد را در فرازهای صحیفه داراست؛ در حالی که شکر مخلوق نسبت به مخلوق، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که شکرگزاری از خداوند، نه تنها بُعدی عبادی، بلکه جایگاهی بنیادین در ساختار ارتباطی انسان با خویشتن، خدا و جامعه دارد.

کلیدواژه‌ها: شکر، مدح، تحلیل مفهومی، تحلیل مصداقی، صحیفه سجادیه

۱- کارشناسی ارشد نهج البلاغه دانشکده الهیات، معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان: z.salehi1919@gmail.com

۲- استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) * zeini@theo.usb.ac.ir

۳- دانشیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، ایران. DR.khakpour@Neyshabur.ac.ir



۱- مقدمه و بیان مسئله

شکرگزاری، به مثابه یکی از مفاهیم بنیادین در نظام اخلاقی و تربیتی ادیان الهی، نقش تعیین کننده‌ای در ارتقاء شخصیت فردی و تقویت پیوندهای اجتماعی دارد. در سال‌های اخیر، توجه به این مفهوم در فضای عمومی و فرهنگی جامعه افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که نشست‌ها و همایش‌هایی با محوریت «قدرت شکرگزاری» برگزار می‌شود. با این حال، اغلب این رویکردها متأثر از متون غیردینی و عرفان‌های نوظهور، مانند کتاب «معجزه شکرگزاری» اثر راندا برن هستند که با رویکردی طبیعت‌گرایانه، مفهوم شکر را از خاستگاه توحیدی آن فاصله داده و به جای ارتباط با خداوند، مخاطب را به «کائنات» ارجاع می‌دهند.

این در حالی است که شکر در اندیشه اسلامی، ریشه در توحید و رابطه خالق و مخلوق دارد و جایگاه آن در متون دینی اصیلی همچون قرآن کریم و صحیفه سجاده، فراتر از یک توصیه اخلاقی صرف است. بررسی این مفهوم در صحیفه سجاده - که به تعبیر برخی از بزرگان، «قرآن صاعد» نامیده شده است - اهمیت خاصی دارد؛ چرا که در این اثر گران سنگ، شکرگزاری نه تنها به عنوان یک فضیلت اخلاقی، بلکه به عنوان سازوکار ارتباطی انسان با خداوند و دیگر انسان‌ها در قالب دعا نمود یافته است.

پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد مفهومی و مصداقی شکر در صحیفه سجاده، تلاش دارد تا جایگاه این مفهوم را در گفتمان دینی و تربیتی روشن سازد. بر این اساس، مسئله اصلی تحقیق عبارت است از: شکرگزاری در صحیفه سجاده چه مفهومی دارد و مصداق آن در بسترهای مختلف روابط انسانی چیست؟

در راستای پاسخ به این مسئله، دو پرسش فرعی مطرح می‌شود:

مفهوم شکر در منظومه فکری امام سجاده (ع) و در قالب ادعیه صحیفه سجاده چیست؟

مصداق شکرگزاری در حوزه‌های مختلف ارتباط انسان چیست؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، از روش تحلیل مفهومی و مصداقی استفاده شده است؛ به گونه‌ای که ضمن شناسایی ارکان معنایی شکر، موارد کاربرد آن نیز از حیث کمیت و کیفیت بررسی می‌شود. روشن ساختن این ابعاد، به ویژه در فضای فرهنگی معاصر که تلقی عمومی از شکر متأثر از آموزه‌های غیرتوحیدی شده است، ضرورت مضاعف دارد و می‌تواند به بازتعریف مفهومی این واژه در نظام تربیتی اسلامی یاری رساند.



۱-۱- پیشینه پژوهش

با وجود جایگاه ممتاز صحیفه سجاده در تبیین مؤلفه‌های اخلاقی و تربیتی به‌ویژه در رابطه میان انسان و خدا، تاکنون پژوهشی با تمرکز ویژه بر تحلیل مفهومی و مصداقی شکر در این اثر انجام نشده است؛ باین‌حال، چند اثر به‌صورت غیرمستقیم به این موضوع نزدیک شده‌اند.

نرگس الماسی در پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی آثار تربیتی حمد و شکر در آیات و روایات (با تأکید بر صحیفه سجاده) به راهنمایی فتح‌الله نجارزادگان (دانشگاه اصول دین، ۱۳۸۴)، به بررسی کارکردهای تربیتی حمد و شکر پرداخته است؛ باین‌حال، این پژوهش با فرض مفهومی مشخص از شکر، بیشتر بر آثار آن تمرکز دارد و وارد تحلیل معنای شکر نشده است.

مقاله‌ای از عباس مصلائی‌پور و الهه تاجیک با عنوان حوزه معنایی شکر در قرآن کریم (فصل‌نامه مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۳)، به تحلیل زبان‌شناختی واژه شکر در قرآن بر پایه نظریه حوزه معنایی پرداخته است. اگرچه این مقاله نگاه دقیقی به تحلیل واژه دارد، اما تمرکز آن صرفاً بر قرآن کریم است و ارتباط مستقیمی با صحیفه سجاده ندارد.

عباس الهی نیز در مقاله کارکردهای تربیتی شکر از منظر قرآن و صحیفه سجاده (پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، ۱۴۰۱)، تلاش کرده است تا با گردآوری برخی شواهد روایی از صحیفه، کارکردهای تربیتی شکر را بررسی کند. اما گستره شواهد و تحلیل‌های ارائه‌شده محدود است و از تحلیل مفهومی و مصداقی عمیق فاصله دارد.

رحمان عشریه و همکاران در مقاله عوامل تأثیرگذار در پایداری «رزق طیب» از منظر امام سجاد علیه السلام (دوفصلنامه دعا پژوهی، ۱۴۰۲)، حمد و شکر به زمینه ساز پایداری نعمت‌های قرار داده‌اند، اما موضوع بررسی شکر جامعیت ندارد.

بر این اساس، می‌توان گفت پژوهش حاضر در پرتو خلأهای موجود، با تمرکز بر واکاوی معنا و مصادیق شکر در صحیفه سجاده، در پی ارائه تحلیلی نو از جایگاه این مفهوم در چارچوب ارتباط انسان با خداوند است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به غلبه رویکردهای غیرتوحیدی و طبیعت‌گرایانه در تبیین مفهوم شکر در فضای فرهنگی معاصر، بازخوانی این مفهوم بر پایه منابع اصیل اسلامی، به‌ویژه صحیفه سجاده، ضرورت دارد. بررسی



تحلیلی شکر در این متن گران سنگ، می‌تواند با تصحیح تلقی‌های رایج و احیای پیوند شکر با توحید، به بازتعریف آن در نظام تربیتی دینی یاری رساند و خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین را جبران نماید.

۲- مفهوم‌شناسی

قبل از بررسی واژه شکر در صحیفه سجادیه برخی از مبانی نظری نیازمند توضیح است.

۲-۱- تحلیل مفهومی و کارکرد آن در بازخوانی مفاهیم دینی

در منطق اسلامی، مفهوم عبارت است از صورتی ذهنی که بازتاب واقعیتی خارجی یا لفظی است؛ به گونه‌ای که شنیدن واژه‌ای نظیر «کتاب»، مفهومی را در ذهن پدید می‌آورد که حاکی از مصداقی خارجی است (حیدری، ۱۴۳۷: ۴۹؛ سبحانی، ۱۴۲۱ق: ۸۵/۱). تحلیل مفهومی، یا «حدّ اسمی»، در برابر تحلیل ماهوی یا «حدّ حقیقی» قرار دارد و بر آن است تا معنا را از طریق عناصر سازنده و کاربردهای زبانی آن روشن سازد، نه از رهگذر تعیین ذاتیات (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۰۳/۱).

این روش، به‌ویژه در حوزه مفاهیم اخلاقی و دینی که متأثر از بسترهای اجتماعی و روانی اند، اهمیتی مضاعف می‌یابد؛ زیرا امکان تحدید ماهوی بسیاری از این مفاهیم وجود ندارد و تنها می‌توان با تحلیل‌های مفهومی، ابعاد و کارکردهای آن‌ها را روشن ساخت (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۴۴۶/۱؛ مطهری، ۱۳۷۴: ۲۲). ضمن آن که بداهت برخی مفاهیم، همچون شکر، نباید مانع واکاوی تحلیلی آن‌ها شود؛ زیرا این مفاهیم، گرچه به‌ظاهر روشن‌اند، ولی در باطن واجد لایه‌های معنایی پیچیده و نظام‌مندند که تنها از طریق تحلیل مفهومی و قرائت‌های متنی قابل کشف‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۹۷/۲).

در پژوهش‌های مفهومی، تلفیق روش تحلیل مفهومی و تحلیل مصداقی، زمینه‌ای برای تفسیر عمیق‌تر مفاهیم و دستیابی به پیوندهای میان‌متنی آن‌ها در قرآن و روایات فراهم می‌سازد.

۲-۲- تحلیل مصداقی در فهم واژگان اخلاقی

در منطق اسلامی، «اسم معنی» به مفهوم ذهنی و «اسم ذات» به مصداق خارجی دلالت دارد؛ زیرا مفاهیم برخاسته از صفات ذهنی، اجمال بیشتری نسبت به مصداق عینی دارند (مدرسی، ۱۴۲۴: ۵۹۰/۱). در واقع، این مصداق‌اند که مرزهای دقیق یک مفهوم را در عرصه عمل روشن می‌سازند. برای نمونه، هرچند مفاهیمی چون «وجود» یا «سفیدی» به‌ظاهر وحدت دارند؛ اما وحدت در مصداق لزوماً به معنای وحدت در معنا نیست؛ زیرا تحلیل مفهومی در ساحت ذهنی صورت می‌گیرد و با واقعیت خارجی همواره تطابق کامل ندارد (رجبی دوانی، ۱۳۹۶: ۱۳۷/۲؛ حیدری، ۱۴۳۷: ۲۸۱).



بر همین اساس، تحلیل مفهومی به تنهایی برای شناخت کامل واژگان اخلاقی-رفتاری ای چون «شکر» کافی نیست. شکر مفهومی است که در ساحت‌های مختلف زندگی انسانی بروز می‌یابد؛ از شکر قلبی و زبانی گرفته تا شکر عملی. مصادیق این مفهوم در متون دینی به‌ویژه ادعیه، به‌صورت پراکنده و در بستر کاربردی آن ذکر شده است. بررسی این مصادیق، به‌ویژه در حوزه اخلاق عملی، راهی برای رفع ابهام و فهم دقیق‌تر معنای شکر فراهم می‌آورد؛ مفهومی که علی‌رغم بداهت ظاهری، در مقام عمل نیازمند تحلیل دقیق‌تری است.

۳-۲- شکر در لغت

اغلب لغویان، شکر را به معنای اظهار نعمت و سپاس از منعم دانسته‌اند. فراهیدی آن را در برابر کفر، به معنای یادآوری نعمت و ستایش نعمت‌دهنده تعریف کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۲۹۲/۵؛ عسکری، ۱۴۰۰: ۳۹). جوهری نیز بر بُعد زبانی شکر تأکید دارد و آن را در برابر کفران قرار می‌دهد (جوهری، ۱۳۷۶: ۷۰۲/۲). ابن فارس، شکر را ستایش در قبال عطا معنا می‌کند (ابن فارس، بی‌تا: ۲۰۷/۳). طریحی، در ذیل آیه «إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا»، شکر را متشکل از معرفت، اقرار زبانی و اعتقاد قلبی می‌داند و بر هماهنگی دل، زبان و اعضا در مقام شکرگزاری تأکید می‌کند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۵۳/۳). برآیند این آراء آن است که شکر ناظر به شناخت، اعتراف و اظهار نعمت است و به کمیت نعمت وابسته نیست؛ از این‌رو، حتی در برابر کوچک‌ترین احسان نیز شکر واجب است و چون نعمت‌های الهی بی‌شمارند، تحقق کامل آن دشوار می‌نماید.

در کنار شکر، واژه حمد نیز در متون دینی رایج است. فراهیدی و ابن‌منظور، حمد را ستایش نسبت به افعال پسندیده می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۸۸/۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۵۵/۳). فیومی تمایز این دو واژه را در متعلق‌شان می‌بیند: حمد مربوط به صفات، و شکر ناظر به نعمت و افعال است (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۴۹/۲). طریحی حمد را اعم از شکر می‌داند؛ زیرا حمد حتی بدون دریافت نعمت نیز تحقق می‌یابد (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۹/۳). در نهایت، عسکری نسبت میان آن دو را عموم و خصوص مطلق می‌داند: حمد شامل همه امور نیکوست، اما شکر تنها ناظر به نعمت است (عسکری، ۱۴۰۰: ۳۹).

۴-۲- معنای اصطلاحی شکر

شکر در اصطلاح دینی و اخلاقی، غالباً به معنای قدردانی از خداوند در برابر نعمت‌های اوست. برخی منابع لغوی، به‌ویژه آن‌ها که متأثر از متون دینی‌اند، نیز به این معنای اصطلاحی نزدیک شده‌اند. طبرسی



شکر لغوی را اعم از شکر عرفی می‌داند؛ زیرا شکر لغوی شامل سپاس از خدا و غیر اوست، اما شکر عرفی ناظر به نعمت‌های الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۶۷/۲).

علامه طباطبایی، شکر را یاد خدا در هنگام استفاده از نعمت و به‌کارگیری آن در مسیر رضای الهی می‌داند. از نظر او، شکر مطلق، یاد خدا بدون غفلت و اطاعت بدون معصیت است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۸/۴).

علمای اخلاق نیز شکر را استفاده درست و متناسب از نعمت در جهت کمال مطلوب تعریف کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۹/۳). نراقی ضمن تأکید بر بُعد احساسی شکر، آن را شناخت نعمت از سوی منعم، شادمانی از آن و عمل مطابق با این شادی می‌داند (نراقی، ۱۳۷۸: ۷۹۰).

۳- تحلیل مفهومی و مصداقی شکر در صحیفه سجادیه

در این بخش به تحلیل مفهومی و مصداقی شکر در صحیفه سجادیه پرداخته شده است.

۳-۱. تحلیل مفهومی

با توجه به این‌که تعریف مفاهیم مستلزم شناسایی و تحلیل ارکان گوناگون آن‌هاست، در تعریف «شکر» به‌عنوان یک کنش زبانی یا قلبی، می‌توان مؤلفه‌هایی همچون غایت و هدف آن، چگونگی تحقق فعل با تأکید بر عنصر پیوستگی، و نیز تمایز آن با مفهوم «حمد» در چارچوب روابط انسان با خداوند و بالعکس را مورد بررسی قرار داد.

۳-۱-۱. تحلیل غایت محور شکر در صحیفه سجادیه بر پایه ساختار مفهومی و روایی

در نظام معنایی صحیفه سجادیه، شکر نه صرفاً یک کنش عبادی در برابر دریافت نعمت، بلکه جلوه‌ای از توحید عملی و ادراک هستی‌شناسانه انسان از رابطه خود با خداوند است. بر این اساس، شکرگزاری در ادبیات دعایی امام سجاد (ع)، با کارکردی چندلایه و هدف‌محور عرضه می‌شود؛ به گونه‌ای که هر جلوه آن، ما را به سوی غایتی وجودی رهنمون می‌سازد. این رویکرد، در دعای یازدهم، با بیانی موجز اما عمیق متجلی است: «يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ شُكْرُهُ قُوٌّزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ».

در این فراز، سه کنش بنیادین - ذکر، شکر، و طاعت - در قالب یک نظام علت و غایت به هم پیوند خورده‌اند؛ «ذکر» مقدمه‌ی ادراک حضور، «شکر» مرحله‌ی بازشناسی نعمت در بستر ربوبیت، و «طاعت» مرحله‌ی فعلیت‌بخشی به عبودیت در حوزه عمل است. تعبیر «قُوٌّزٌ لِلشَّاكِرِينَ» ناظر بر این نکته



است که غایت شکر، نه صرف قدردانی، بلکه رهایی هستی‌شناسانه از غفلت و دستیابی به مقام قرب است. در شرح این دعا، شکر نه واکنشی عاطفی، بلکه «راهی برای جبران و اثبات عبودیت» دانسته شده است (فیض الاسلام، ۱۳۷۵: ۹۱). در نگاه آیت‌الله مصباح یزدی، شکر واقعی برخاسته از معرفت نفس و شناخت خداوند است؛ زیرا تنها شکر برخاسته از شناخت، انسان را در نسبت با رب مطلق تعریف می‌کند و او را به سوی هدایت سوق می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۰۶/۱).

افزون بر این، در دعای ۴۵ نیز پیوندی عمیق میان شکر، نجات از غضب الهی و وصول به رضوان الهی ترسیم شده است: «فَذَكِّرْهُ بِمَنِّكَ، وَ شَكِّرْهُ بِفَضْلِكَ... وَ فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ، وَ قَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ». ممدوحی که اثرش با مقدمه آیت الله جوادی آملی مزین شده است: این پیوند را به عبارتی «حرکتی از نعمت به نعمت‌بخش» تحلیل کرده و می‌نویسد: «شکر و سپاس پیوسته بر خداوند، مرهون منت و توفیق الهی است؛ زیرا اگر عنایت ویژه خداوند نبود، هرگز چنین امتیاز و فضیلت معنوی حاصل نمی‌شد، [شکر] دعوت نامه الهی است که از عرش بر دل [شکرگزار] نهاده شده است (ممدوحی، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۴۶۸). حسن‌زاده آملی در تبیین عرفانی، شکر را بازگشت قلب به مبدأ فیاض و آگاه شدن به فقر ذاتی می‌داند. از نظر او، شکر حقیقی زمانی است که بنده بداند حتی شکر خود نیز با توفیق الهی ممکن شده است؛ بنابراین، شکر واقعی آغازگر شکری دیگر و نشانه‌ی پیوند همیشگی عبد با رب است. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ص ۲۹۷).

بنابراین، در نگاه تحلیلی، شکر در صحیفه سجادیه نه کنشی سطحی، بلکه ساختاری تربیتی با کارکردهای معرفتی، اخلاقی و عرفانی است؛ ساختاری که انسان را از «فرد مصرف‌کننده نعمت» به «عبد عارف» و از «طلب نعمت» به «طلب رضایت» ارتقا می‌دهد.

۲-۱-۳. تحلیل مفهوم دوام حمد در صحیفه سجادیه

در نظام معنایی صحیفه سجادیه، مفهوم «حمد» نه تنها بیانگر ستایش از نعمت، بلکه بازتابی از رابطه‌ی وجودی بنده با رب است؛ رابطه‌ای که در آن، نه تنها آغاز، بلکه استمرار نعمت نیز در گرو امتداد حمد و شکر بنده است. در فرازی از دعای چهل و هفتم، این معنا با بیانی لطیف و عمیق مطرح شده است: «حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ»؛ یعنی ستایشی که با آن نعمت پیشین پایدار شود و نعمت‌های آینده طلب گردد.

این عبارت، ناظر به کارکردی دوگانه برای حمد است. از یک سو، نگه‌دارنده نعمت‌های گذشته و از سوی دیگر، طلب‌کننده استمرار الطاف آینده. چنین نگاهی حمد را از حالت یک واکنش منفعلانه نسبت



به دریافت نعمت، به نقشی فعال در جریان فیض الهی تبدیل می‌کند. مدنی شیرازی با اشاره به اقوال مختلف، تصریح می‌کند که نعمت‌های ازلی الهی، انسان را به شکر و ستایشی پیوسته و مداوم وا می‌دارند که زمینه‌ساز ارتباطی همیشگی با خداوند است. (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۶/۶).

این تبیین، ناظر به نگاه وجودشناسانه به نعمت و شکر است؛ بدین معنا که همان‌گونه که نعمت‌ها ریشه در ازلیت دارند، شکر و حمد نیز باید صبغی دائمی یابند.

فیض‌الاسلام نیز این کارکرد دوگانه حمد را چنین شرح می‌دهد: «سپاسی که به وسیله آن، دوام نعمت پیشین حفظ شده و استمرار نعمت‌های بعدی درخواست گردد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۵: ۳۳۱). این نگاه، بر روابط طولی در نظام ربوبی تأکید دارد؛ یعنی همان‌گونه که نعمت‌ها در امتداد یکدیگر نازل می‌شوند، شکر و حمد نیز باید در امتداد یکدیگر ادا شوند. در شرح فهری نیز آمده است: «سپاسی که با آن لطف اول دوام یابد و استمرار الطاف آینده طلب گردد» (فهری، ۱۳۸۶: ۲۳۴). این عبارت، وجه توسلی و آینده‌نگر حمد را برجسته می‌سازد.

ممدوحی بیان می‌کند معیار چنین شکر و ستایشی، کیفیت است نه کمیت، یعنی شعور و عرفان و احاطه علمی به اسماء و صفات الهی که در نتیجه آن انسان با تمام وجود، ذکر و فعل و قول و شعور و وجودش همراه با زبان و موافق قلب سپاس می‌گوید و لحظه‌ای از الطاف و کرامت‌های خداوند غفلت نمی‌کند و پیوسته خود را رهین نعمت‌های خدا می‌داند (ممدوحی: ۱۳۸۸، ج ۴، ۹۳). و حسن‌زاده آملی استمرار حمد را نشانه بیداری قلب و نتیجه تداوم شهود نعمت می‌داند؛ زیرا اگرچه نعمت‌ها حادث‌اند، ولی منعم ازلی است، و این پیوستگی، ریشه در نسبت وجودی عبد با رب دارد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۳۱۸). بر همین اساس، از نگاه صحیفه سجادیه، حمد و شکر فرایندی پیوسته و تعاملی‌اند که امام سجاد(ع) آن را در قالب دعا، به‌عنوان الگوی ارتباط دائم با خداوند ارائه کرده است.

۳-۱-۳- خلوص و بی‌ریایی شرط کمال شکر

در صحیفه سجادیه، شکر کامل در گرو هماهنگی ظاهر و باطن و صدق نیت است. امام سجاد(ع) در دعای چهل و هفتم می‌فرماید: «حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَقُّ لِبَصْدَقِ النَّيَّةِ» (دعای ۴۷؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۶: ۳۳۳). این فراز نشان می‌دهد که شکر صوری بدون خلوص نیت، فاقد ارزش دینی است.

فیض‌الاسلام نیز تأکید می‌کند شکر باید از روی صدق و صفا باشد، نه همراه با ریا (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۵: ۳۳۲). مدنی شیرازی، وفاق ظاهر و باطن را نشانه اخلاص و معرفت به



حق می‌داند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۰/۶). حسن زاده آملی نیز یادآور می‌شود که شکر حقیقی تنها با دل آگاه و نیت صادق به بار می‌نشیند؛ زیرا خداوند از نیت‌ها آگاه است (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۳۲۶).

بنابراین، صحیفه سجاده شکر را نه فقط یک واکنش طبیعی به نعمت، بلکه مرحله‌ای از تربیت باطنی انسان معرفی می‌کند که در آن صداقت در نیت و یک‌پارچگی درون و برون، شرط صحت و کمال آن است.

۴- تحلیل مصداقی

در تحلیل مصداقی با تأکید بر نوع چگونگی سمت و سوی رابطه شکرگزاری، روابط دو گانه انسان - خدا، خدا - انسان و انسان - انسان بررسی می‌شود. در این بخش به تفکیک موارد استخراجی با استقصای کامل از صحیفه سجاده آمده است، برای تأکید بیشتر بر مفهوم شکر رابطه خدا - انسان با عنوان «خالق - مخلوق» و رابطه انسان - خدا به صورت رابطه «مخلوق - خالق» آمده است تا به خصوص در رابطه مخلوق خالق وجه شکرگزاری نیز برجسته گردد.

۴-۱. شکر خالق - مخلوق

در صحیفه سجاده، شکر تنها رابطه‌ای یک‌سویه از مخلوق به خالق نیست، بلکه جلوه‌ای از شکر خالق نسبت به مخلوق نیز دیده می‌شود. ابن منظور شکر را «شناخت احسان و اظهار آن» می‌داند که هم به خداوند و هم به بندگان نسبت داده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۲۳/۴). این معنا در آیات قرآن نیز آمده است؛ مانند «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» (فاطر: ۳۴) و «فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۸۵). شکر خدا در این آیات به معنای پاداش دادن و اظهار لطف به بندگان است، حتی برای طاعات اندک (زمخشری، ۱۹۷۹: ۹۴).

در دعای چهارم صحیفه سجاده، امام از خدا می‌خواهد که پاداش هجرت و مجاهدت بندگان را عطا کند: «وَأَشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فَبِكَ دِنَارَ قَوْمِهِمْ...». الهی قمشه‌ای این شکر را به معنای پاداش الهی ترجمه کرده است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۵). مدنی شیرازی آن را عطای رحمت به اهل اخلاص می‌داند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۲/۲) و فیض الاسلام «اشکرهم» را کنایه از لطف دائم الهی نسبت به بندگان صادق می‌داند (فیض الاسلام، ۱۳۷۵: ۵۵). این معنا با دیدگاه علامه حسن زاده آملی نیز هماهنگ است؛ وی در شرح عرفانی خود، شکر خداوند نسبت به انسان را ناشی از فیض قدیم و آغازگری مطلق



الهی می‌داند که خود، انسان را به مقام شکر می‌رساند و حتی «توفیق شکر» را نوعی شکر می‌شمارد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

بنابراین، در اندیشه امام سجاد علیه‌السلام، خداوند نه تنها مشمول شکر بندگان است بلکه خود نیز آغازگر و پاداش‌دهنده‌ای شکور است؛ شاکری که در برابر مجاهدت مخلصان، حتی درخواست پاداش را منتفی می‌سازد و با فیضی پیشینی، نعمت‌های ظاهری و باطنی را بر آنان جاری می‌سازد. این پیش‌قدمی خداوند در شکر، تکلیف اخلاقی شکرگزاری انسان را نیز تشدید می‌کند؛ چرا که رابطه‌ای که خالق در آن آغازگر لطف است، از مخلوق نیز پاسخی بایسته و پیوسته را مطالبه می‌نماید.

تحلیل شکر والدین

درخواست انسان از خداوند برای شکرگزاری نسبت به والدین، نشان‌دهنده آن است که والدین از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی‌اند که شایسته قدردانی الهی هستند. در دعای بیست‌وچهارم صحیفه سجاده این معنا با بیانی دقیق و عاطفی مطرح شده است: «اللَّهُمَّ لَهُمَا أَشْكُرُ تَرْبِيَّتِي وَ أَيْتَهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَ أَحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي». الهی قمشه‌ای در ترجمه این فراز، با تأکید بر نیکی متقابل الهی به والدین، آن را پاسخ الهی به تلاش ایشان در تربیت و بزرگداشت فرزند می‌داند (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۷۵). نکته‌ای که از منظر تربیتی نیز حائز اهمیت است، آن است که امام سجاد(ع)، با وجود عصمت، برای والدین خود دعا می‌کند. این رفتار از سویی نشان‌دهنده خلق فروتنی اهل‌بیت(ع) است و از سوی دیگر، الگویی تربیتی برای دیگران به شمار می‌آید.

فیض‌الاسلام نیز در شرح خود، با تأکید بر تقابل میان کرامت والدین و پاداش الهی، این دعا را نمونه‌ای از ادب‌بندگی معرفی می‌کند (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۵: ۱۷۵). مدنی شیرازی در شرح خود، با اشاره به ساختار دعایی این فراز، آن را نوعی واسپاری کامل پاداش والدین به فضل الهی می‌داند و از آن به‌عنوان «تقاضای عدل مشفوع به رحمت» یاد می‌کند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۲/۴). در این دعا، امام سجاد(ع) علاوه بر درخواست پاداش الهی برای والدین، از خداوند می‌خواهد که مهر ایشان را در قلبش قرار دهد و اعمالش نسبت به آن‌ها نیکو گردد؛ این خود بیان‌گر آن است که ادای حق والدین، امری مداوم، قلبی و عملی است، نه صرفاً احساسی یا زبانی. این فراز از صحیفه سجاده به‌روشنی با آموزه‌های قرآنی هماهنگ است؛ در چهار سوره از قرآن کریم (بقره: ۸۳، نساء: ۳۶، انعام: ۱۵۱، اسراء: ۲۳)، نیکی به والدین بلافاصله پس از توحید مطرح شده است. این هم‌نشینی موضوعی، حاکی از اهمیت والای حق والدین در منظومه اخلاقی اسلام است.



۲-۴. شکر مخلوق - خالق

ازلی بودن خداوند بیانگر نعمت‌های ازلی نسبت به انسان است. نعمت‌ها و تفضل‌هایی ابتدایی که لاجرم انسان را مستوجب شکرگزاری می‌کند. در زیر مصادیق مختلف شکرگزاری مخلوق نسبت به خالق آمده است.

۱-۲-۴. شکر بر پیامبر اکرم (ص) در صحیفه سجادیه؛ تجلی شکر بر نعمت هدایت

یکی از مصادیق بلندمرتبه شکر، شکرگزاری نسبت به وجود پیامبر اکرم (ص) است. در تبیین مفهومی شکر روشن شد که هدف نهایی آن، هدایت است؛ بنابراین، شکر نسبت به پیامبر (ص) به عنوان کامل‌ترین واسطه هدایت بشر، مصداق اعلا شکر الهی به‌شمار می‌رود.

در دعای دوم صحیفه سجادیه، حضرت سجاد (ع) با تأکید بر این معنا می‌فرماید: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ...». در این فراز، وجود پیامبر اسلام (ص) نعمتی عظیم معرفی شده است که امت اسلام، به‌ویژه مؤمنان، مشمول آن گردیده‌اند؛ نعمتی که امت‌های پیشین از آن محروم بودند.

شکر بر وجود پیامبر، نوعی شکر برای اصل هدایت است؛ زیرا خداوند در منت خود نه تنها پیامبری را فرستاد، بلکه پیامبری از میان خود مردم که از جنس آن‌هاست و به اسرار زندگی‌شان آگاه است: «من أنفهم» (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۱۰۸/۱). فیض الاسلام نیز در شرح خود، با اشاره به عبارت «بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ...»، بر عظمت نعمت بعثت در مقام الهی تأکید می‌کند و معتقد است که انتخاب پیامبر از میان این امت، ناشی از مشیت خاص الهی است که نیازمند شکرگزاری دائم است (فیض الاسلام، ۱۳۷۵: ۴۲). هم‌چنین آیه ۱۶۴ سوره آل عمران که می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» دقیقاً ناظر به همین مفهوم است و امام سجاد (ع) در این دعا در واقع، آن معنای قرآنی را در قالب دعا و نیایش بازتاب داده است.

بر این اساس، بعثت پیامبر اکرم (ص)، نعمتی مضاعف است: هم به جهت محتوای هدایت‌گر آن، و هم به سبب اختصاص آن به امت اسلامی. بنابراین، شکر نسبت به پیامبر (ص) نه صرفاً ستایش از شخص ایشان، بلکه نوعی شکرگذاری نسبت به مسیر نجات و رهایی از ضلالت است. امام سجاد (ع) در این دعا با تعبیری دقیق، یادآور می‌شود که شکر بر وجود رسول‌الله (ص)، در واقع، شکر برای تمام مسیر هدایت و کمال انسانی است که خداوند در قالب نبوت عرضه کرده است.



۲-۲-۴- شکر در سلامت و بیماری؛ نگاهی توحیدی به نعمت‌ها

از نگاه امام سجاد(ع)، سلامت و بیماری هر دو در منظومه توحیدی، جلوه‌ای از نعمت الهی هستند؛ نعمتی که در هر دو حالت، بنده را به ذکر و شکر فرا می‌خواند. این معنا در دعای پنجم صحیفه چنین بیان شده است: «اللَّهُمَّ ... وَاجْعَلْ سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَعْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ». در این جا، سلامت دل، بدن و زبان به ترتیب در خدمت ذکر، شکر و توصیف نعمت الهی قرار می‌گیرند. این توازن میان باطن و ظاهر، نشان می‌دهد که شکر، نه فقط یک واکنش عاطفی بلکه روشی همه‌جانبه برای زیستن با خداست. در دعای پانزدهم نیز امام (ع) با لحنی شگفت، بیماری را هم زمینه‌ای برای شکر می‌دانند: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ ... عَلَى مَا أَحْدَثْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ».

در نگاه ظاهری، بیماری رنج است، اما در نگاه معرفتی، فرصتی برای تزکیه و بازگشت به خداوند است. چنان‌که علامه حسن‌زاده آملی می‌نویسد: «بسیاری از آلام جسمی رحمتند؛ زیرا موجب خضوع و تنبّه انسان به ضعف خود می‌شوند. آن‌که در بلا شکر می‌گوید، در حقیقت بیدارتر از کسی است که در راحتی غافل مانده است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۳۲۷/۱).

از این منظر، نعمت واقعی، آن است که انسان را به یاد خدا رساند، چه در پوشش سلامت و چه در لباس بیماری. به تعبیر صحیفه، سلامت و رنج هر دو می‌توانند بستر عبودیت شوند، اگر دل در یاد خدا آرام گرفته باشد.

۳-۲-۴- شکر بر نعمت شب و روز

در دعای ششم صحیفه سجادیه، امام سجاد(ع) با نگاهی توحیدی به پدیده زمان، نعمت شب و روز را ستوده است و آن را جلوه‌ای از قدرت مطلق الهی معرفی می‌کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ»؛ یعنی سپاس خدایی را که شب و روز را با قدرت خویش آفرید (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۵: ۶۸).

در این دعا، امام سجاد(ع) با بیانی موجز و عمیق، به چند نکته اشاره می‌فرماید: **الف.** نظام‌مندی آفرینش شب و روز، به‌عنوان جلوه‌ای از «تقدیر حکیمانه» الهی؛ **ب.** تفاوت طبیعی و کارکردی آن دو؛ شب، مایه آرامش و خواب؛ روز، وقت فعالیت و معیشت؛ **ج.** اشاره به قدرت خداوند: در خلق این نظام دقیق و مداوم.

در شرح محمدتقی مجلسی آمده است که این فراز از دعا اشاره‌ای به آیه شریفه «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا، وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (نبا: ۱۱-۱۰) دارد؛ آیه‌ای که نقش شب در آرامش و روز در تأمین زندگی را بیان می‌کند (مجلسی، بی‌تا: ۹۵/۱). تقسیم شب و روز از تجلیات اسماء فعلیه خداوند است؛ یعنی نظام



زمانی حاکم بر عالم، یکی از ظهورات «تقدیر»، «رحمت» و «قهر» الهی است، که با آن زندگی انسان‌ها در جریان تربیتی خاصی هدایت می‌شود (حسن‌زاده آملی، ۱۴۰۲ق: ۱۵۸/۱).

علامه طهرانی در شرح خود، این دعا را مقدمه‌ای بر «فهم شبانه‌روزی حیات» می‌داند و می‌نویسد: «شکر بر شب و روز، شکر بر کل هستی زمانی انسان است؛ چراکه بدون زمان، هیچ فعلی از افعال انسانی در ساحت بندگی تحقق نمی‌یابد» (طهرانی، ۱۴۲۵ق: ۸۳). نظام شب و روز علاوه بر نظم زیستی، «رمزی عرفانی» از قبض و بسط، و فنا و بقا در سیر الی‌الله است؛ روز نشانه‌ی تجلی و ظهور، و شب، وقت خلوت و انس با حضرت حق (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۰۹/۱).

بنابراین این فراز از دعای امام سجاده (ع) ما را به توجه دائمی به نعمت زمان که در قالب شب و روز متجلی شده، فرامی‌خواند. انسان باید با شکرگزاری در هر لحظه از زمان، به بندگی خود عمق بخشد و بهره‌مندی از فرصت‌ها را ضایع نکند. شکر شب، در آرامش و راز و نیاز و شکر روز، در تلاش و خدمت است

۴-۲-۴ - شکر مطلق؛ یاد مداوم و اطاعت بی‌وقفه

یکی از مراتب عالی شکر، «شکر مطلق» است؛ شکر دائمی که در آن بنده در تمام حالات - در ظاهر و باطن، در گفتار و رفتار - پیوسته به یاد خدا و نعمت‌های اوست. این نوع شکر، مرتبه‌ای از عبودیت خالص است که در آن، حتی لحظه‌ای غفلت از یاد نعمت‌بخش نیست.

خداوند می‌فرماید: «و اشکروا لی ولا تکفرون» (بقره: ۱۵۲)؛ یعنی، مرا یاد کنید و سپاس گویند و کفر نورزید.

در دعای ششم، امام سجاده (ع) چنین دعا می‌فرماید: «وَ أَجْزِلُ لَنَا فِیهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ... وَ أَمْلَأُ لَنَا مَا بَیْنَ طَرَفَیْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا...»؛ یعنی: خدایا در این روز، ما را سرشار از نیکی، پرهیز از گناه، حمد، شکر، پاداش و فضل قرار ده (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۵: ۷۲).

در این فراز، امام شکر را نه فقط واکنشی به یک نعمت خاص، بلکه امری فراگیر و دائمی می‌داند؛ شکر به مثابه ظرفی از «حمد» و «ذخیره معنوی» در سراسر زندگی.

در یک تحلیل معرفتی علامه طباطبایی، شکر مطلق را جزئی از مقام «مخلصین» می‌داند؛ کسانی که در یاد و اطاعت از خدا ثابت‌قدم‌اند و بهره‌مندی از نعمت‌ها، آنان را از یاد منعم غافل نمی‌کند: «الشاکرون هم الذین لا یرون النعمة إلا من الله، و یستخدمونها فی طاعته، فالشکر هو الطاعة الخالص» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۸/۴؛ نیز: ۳۱/۸: ۳۹۵/۱۲)؛ به بیان دیگر، شکر مطلق، یاد بی‌وقفه و اطاعت بی‌معصیت است.



علامه حسن زاده آملی نیز در شرح خود بر صحیفه، بر این نکته تأکید دارد که شکر مطلق، نتیجه ادراک حضوری پیوسته نسبت به فیض الهی است. یعنی انسان در هر لحظه، خدا را حاضر و نعمت را تجلی او می‌بیند. چنین انسانی نه تنها زبان، بلکه قلب و عملش نیز در حالت «شکر» است (حسن زاده آملی، ۱۴۰۲ق: ۱/۱۷۲).

بنابراین، شکر مطلق مرتبه‌ای از سلوک عرفانی است که در آن «یاد خدا»، «اطاعت»، و «عدم غفلت» در هم تنیده شده‌اند. امام سجاده (ع) در فراز بالا، از خدا می‌خواهد که تمام روز انسان را لبریز از شکر قرار دهد؛ چرا که هر لحظه بدون شکر، لحظه‌ای از دست رفته است.

۵-۲-۴- شکر برای قضا و قدر؛ رضایت در مدار عبودیت

شکر بر قضا و قدر الهی مرتبه‌ای عالی از توحید عملی است. امام سجاده (ع) در دعای پانزدهم با بیانی عارفانه می‌فرماید: «فَمَا أَذْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟» نیز در نگاه توحیدی امام، هم نعمت و هم ابتلا، شایسته‌ی شکرند. در دعای ۳۵ نیز چنین آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَضَى بِحُكْمِ اللَّهِ...» این بیان، آموزه‌ی رضایت درونی و تسلیم بیرونی به اراده‌ی خداوند را القا می‌کند؛ چیزی که علامه حسن زاده آن را «عبودیت تکوینی» می‌نامد که در آن، بنده در هر حال جلوه‌ی حکمت حق را می‌بیند (شرح صحیفه، ۳۷۹/۱).

بنابر این در یک تحلیل معرفتی رضا به قضا، حاصل ایمان به عدل و حکمت خداوند است؛ انسان شاکر می‌پذیرد که گاهی آن‌چه از او باز داشته شده، مصلحت‌محور و رحمت‌مدار است. این مضمون، در کلام امام صادق (ع) نیز آمده است: «خدا به موسی وحی کرد که اگر نعمتی را از بنده‌ای دریغ کردم، خیر او در آن بوده است» (نراقی، جامع السعادات: ۵۵۹/۲)؛ علامه مصباح، در شرح دعای پانزدهم، این نوع شکر را «تسلیم قلبی در برابر تدبیر الهی» می‌خواند و آن را نشانه‌ی بلوغ عرفانی می‌داند (۱۳۸۲: ۱/۲۸۵). همچنین، انصاریان در شرح خود، یادآور می‌شود که شکر بر بلا، جلوه‌ای از «بصیرت توحیدی» است که تنها از مخلصان ساخته است (۱۳۸۸، ۱۷۴/۲).

بنابراین شکر بر قضا و قدر، تمرینی عملی برای توحید درون است. چنین شکری، عبودیت را از ظاهر به باطن می‌کشاند و بنده را در زمره‌ی شاکران حقیقی و صدیقان قرار می‌دهد، چنان که امام سجاده (ع) نیز همین مقام را برای اهل رضا و تسلیم خواستار است.



۶-۲-۴- شکر بر پوشاندگی الهی

یکی از زیباترین جلوه‌های شکر در صحیفه سجادیه، شکر برای ستّارِیت الهی است؛ یعنی سپاسگزاری از خداوند به‌خاطر پوشاندن عیوب بندگان. امام سجاد(ع) در فرازی از دعای شانزدهم می‌فرماید: «فَکُم مِنْ عَائِيَةِ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ... وَ لَمْ تُبَدِّ سَوَاءِئِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي»^۱. در این فراز، امام با زبانی عارفانه، خداوند را بر نعمتی شکر می‌گوید که بسیاری از انسان‌ها آن را نمی‌بینند: نعمت محفوظ ماندن آبرو، با وجود لغزش‌ها و تقصیرها.

تحلیل معنوی و اخلاقی

در شرح صحیفه سجادیه علامه حسن‌زاده آملی، ستّارِیت الهی به‌عنوان نماد رحمت خاص الهی معرفی شده است؛ رحمتی که فرصت توبه و بازگشت را در اختیار بندگان قرار می‌دهد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۴: ۴۱۲/۱).

ممدوحی نیز، بر این نکته تأکید می‌ورزد که پوشاندگی عیوب از سوی خدا، جزئی از نظام تربیتی اوست؛ به این معنا که خداوند، بندگان را با افشاگری اصلاح نمی‌کند نه در مقابل دیگران وی را رسوا می‌کند و نیز به گونه‌ای با خودش معامله می‌کند که گویا از سرار او بی‌خبر بوده است (ممدوحی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۹۵). سیدرضا صدر در نگاه عرفانی خود بر این فراز، معتقد است که پوشش الهی نه‌تنها نسبت به دیگران، بلکه نسبت به خود انسان نیز هست؛ یعنی بنده تا زمانی که آماده توبه نباشد، حتی از عمق عیب خود نیز آگاه نمی‌شود (صدر، ۱۳۷۵: ۲۲۱).

انصاریان این نوع شکر را عاملی مهم در اخلاق اجتماعی می‌دانند و تأکید می‌کنند که مؤمن باید در برخورد با لغزش‌های دیگران، پیرو اخلاق نبوی و اهل ستر باشد (انصاریان، ۱۳۸۸: ۲۰۲/۲). محمدی ری‌شهری نیز در دانشنامه معارف صحیفه، بر اهمیت اجتماعی این آموزه تأکید می‌کند و می‌نویسد: جامعه‌ای که در آن پرده‌داری رواج دارد، امنیت اخلاقی نخواهد داشت. شکر بر ستّارِیت الهی، انسان را به سمت حفظ آبروی دیگران سوق می‌دهد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴: ۴۷۱/۳). در حدیثی نیز آمده است که شخصی به امام صادق(ع) گفت: دوست دارم خداوند عیب‌های مرا بپوشاند. امام فرمود: عیب‌های برادرانت را بپوشان تا خداوند عیب‌های تو را بپوشاند (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۱۲۹/۱۶).

۱. چه بسا عیب‌ها که بر من پوشاندی زشتی‌های گناه‌م را نزد همسایگانی که در پی عیوب من‌اند و حسودانی که خواهان زوال نعمت از من‌اند آشکار نمودی.



نتیجه این که شکر برای پوشاندگی خدا، مرتبه‌ای متعالی از بندگی است که انسان در آن، نه تنها از نعمت‌های مادی بلکه از نعمت‌های معنوی چون آبرو، فرصت بازگشت و اصلاح، و رحمت در عین عصیان شکرگزاری می‌کند. این نوع شکر، در پیوندی عمیق با اخلاق فردی و اجتماعی قرار دارد و انسان را از عیب‌جویی باز می‌دارد و به صفت رحمانی «سَّارِ الْعِیُوبِ» نزدیک می‌سازد.

۷-۲-۴- دعا در توفیق شکرگزاری

از جمله جلوه‌های تربیتی و معرفتی دعاها، صحیفه سجاده، درخواست توفیق شکرگزاری از خداوند متعال است. امام سجاده (ع) در فرازهایی از دعای بیستم، از خداوند طلب می‌کند که او را در مسیر قدردانی از خوبی‌ها یاری نماید. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنَّ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَعْصِي عَنِ السَّيِّئَةِ»؛ یعنی، «خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا توفیق ده که نیکی‌ها را شکر گویم و از بدی‌ها چشم‌پوشم» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۵: ۱۳۳). در همین دعا، امام (ع) یکی از نشانه‌های توفیق در بندگی و عزت انسانی را رهایی از تحقیر در برابر دیگران می‌داند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، لَا تَبْتَدِلْ وَجْهِي بِالْإِفْتَارِ... وَ أَتَبَلَّى بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ»؛ یعنی، امام سجاده علیه‌السلام در این فراز از خدا می‌خواهد که عزت او را با بی‌نیازی حفظ کند و او را به نیاز به بندگان و تحقیر نزد مخلوق، گرفتار نسازد؛ چراکه تنها خداوند است که عطا و منع در دست اوست (نک: فیض‌الاسلام، ۱۳۷۵: ۱۴۰). در این فرازها، امام (ع) به‌روشنی بین توفیق در شکرگزاری و عزت نفس رابطه برقرار می‌کند. شکرگزاری از موهبت‌های الهی، نه تنها وظیفه‌ای دینی بلکه مقتضای عقل سلیم است؛ زیرا عقل انسانی نیز انسان را به سپاس از منعم دعوت می‌کند، حتی اگر از نظر دینی هم تکلیفی وجود نداشته باشد (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۲). به تعبیری که در خصوص عبادت آزادگان است که خدا را به خاطر شکرگزاری و عشق عبادت می‌کنند. که این عبادت، کامل‌ترین نوع عبادت است و عبادت آزادگان نامیده می‌شود و از لحاظ رتبه بالاترین درجه را دارد. (دکامی، ۱۴۰۱، ۱۰۱-۱۱۱)

بنابراین، شکر نه تنها واکنشی ایمانی به نعمت است، بلکه نوعی پاس‌داشت کرامت نفس انسانی و رهایی از وابستگی‌های ذلت‌بار محسوب می‌شود. توفیق شکرگزاری، در نگاه امام سجاده (ع)، نیازمند امداد الهی و درخواست مکرر از خداوند است؛ چراکه انسان در برابر نعمت‌ها اگر هدایت نشود، یا دچار کفران می‌شود یا به ستایش خلق گرفتار می‌گردد.



همچنین در برخی شروح صحیفه، توفیق شکر در این دعاها به عنوان نشانه‌ای از بلوغ معنوی مؤمن تفسیر شده است؛ زیرا درک نعمت و سپاس واقعی، فراتر از زبان، به عمل و نیت خالصانه بازمی‌گردد (راوندی، ۱۴۰۶ق: ۲/۲۴۵؛ شوشتری، ۱۳۷۸: ۱/۵۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ۳/۱۲۳).

۸-۲-۴- شکر برای عطا‌ی نعمت شکر

فعل شکرگزاری خود نعمتی از جانب خداوند است و باید از جانب بنده مورد استجاب قرار گیرد، در فرازی از سخنان امام سجاد علیه‌السلام به این نکته اشاره شده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنَّى وَالْطَّنْئِ وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَذَبُّيرًا عَلَى عُدُوِّكَ، وَ مَا أَجْزَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شِمٍّ عِزُّهُ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اِغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَ اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَ إِحْصَاءَ لِمَنِّكَ» (دعای بیستم)؛ خداوند آنچه شیطان از دروغ و گمان در دل من می‌افکند، به یاد بزرگیت و اندیشه در توانایی و عاقبت‌اندیشی بر دشمن تبدیل گردان، و آنچه از سخن زشت یا بیهوده یا دشنام یا بی‌آبرویی یا گواهی نادرست یا غیبت کردن مؤمن غائب یا ناسزا گفتن به حاضر و یا چیزهای دیگری را که بر زبان می‌آید، به سپاس و ستایش و کوشش در بزرگ دانستن تو (خداوند) و شکر نعمت تو و اقرار به نیکی تو و شمردن نعمت‌هایت مبدل کن (فیض الاسلام، ۱۳۷۵: ۱۳۶).

توفیق شکر خداوند خودش یک نعمت جدیدی است که به بنده عنایت شده است و حتی بر خود این توفیق شکر که نعمت است از جانب بنده شکری واجب است و در حقیقت می‌توان گفت که توفیق شکر، قدرش بزرگ‌تر و وجودش عزیزتر از نعمتی است که به‌خاطر آن موفق به شکر شده است. یکی از مواردی که اهمیت شکرگزاری و تداوم آن را نشان می‌دهد این است که توفیق هر شکری، شکر دیگر می‌طلبد و این فرایند پیوسته تکرار می‌شود و از همین روست که انسان توانایی این را ندارد تا بتواند از عهده شکر الهی به درآید.

«اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَتْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا» (دعای ۳۷).

در این قسمت از فراز «یبلغ من شکرک غایه» که مقصور است به «حصل علیه من إحسانک» که مقصور علیه است، اختصاص داده شده است؛ یعنی احادی به انتهای شکر تو نمی‌رسد، مگر این که یک احسان دیگری از تو شامل حال او می‌شود که باز سبب شکر او می‌شود.

امام سجاد در این فراز شکر خداوند متعال را به‌وسیله‌ی قصر بیان کرده است تا علاوه به شکر در مقابل خداوند به بندگان بیاموزند که شکر در هر مرحله‌ای از زندگی لازم است و انسان در هیچ مرحله‌ای



نمی‌تواند به نهایت شکر دست پیدا کند، به دلیل این که نعمت‌های خداوند بر انسان تمام نمی‌شود و قابل‌شمارش نیستند.

ناتوانی انسان از ادای شکرگزاری در فرازی از سخنان امام سجاد علیه السلام آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَيْ إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَ مِنْ مُسِيٍّ أَعْتَدَرَ، إِلَيَّ فَلَمْ أَعْلِزْهُ وَ مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ، وَ مِنْ حَقٍّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤَفِّرْهُ، وَ مِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ، وَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ» (دعای ۳۸)؛ یعنی، بار خدایا به پیشگاهت عذرخواهم در حق ستم‌دیده‌ای که در حضور من بر او ستم رفته و من یاریش ننمودم، و از احسانی که در حَقِّم شده و شکرش را به‌جا نیاورده‌ام، و از بدکننده‌ای که از من پوزش خواسته و عذرش را نپذیرفته‌ام، و از فقیری که از من حاجت خواسته و من خواست او را بر خواست خود ترجیح نداده‌ام، و از حَقِّ مؤمن حق داری که بر عهده‌ام مانده و آن را ادا ننموده‌ام و از عیب مؤمنی که بر من آشکار گشته و آن را نپوشانده‌ام، و از هر معصیتی که برایم پیش آمده و از آن دوری نجستم.

عبارت فوق اگرچه به نوعی بیان عذر و پوزش است؛ اما هدف و مقصود این است که مخاطب به اهمیت قدردانی پی ببرد و در این دعا به درگاه خداوند طلب بخشش می‌شود، در برابر وظایفی که انسان نسبت به مؤمنان جامعه دارد و از جمله عذرخواهی و پوزش به درگاه خداوند به سبب ناسپاسی کردن در برابر نیکی و احسان دیگران سپاسگزاری و تشکر افراد از یکدیگر از جمله حقوقی است که افراد جامعه نسبت به یکدیگر دارند و در حقیقت می‌توان گفت، شکر و قدردانی افراد از یکدیگر باعث می‌شود روابط و ارتباط بین افراد اصلاح شود. امام سجاد از خداوند عذرخواهی می‌کند که عیب و نقص مؤمنی برای من آشکار و نمایان شده است و من آن را نپوشانده‌ام.

۹-۲-۴- شکر برای فیض عام و نعمت‌های بی‌پایان

از منظر امام سجاد(ع)، نعمت‌های الهی، دارای گستره‌ای عام و پیوسته‌اند که همه مراتب وجود را در بر می‌گیرند. در فرازی از دعای سی و نهم صحیفه سجادیه، گستردگی این فیض الهی چنین توصیف شده است:

«تَعَالَى ذِكْرَكَ عَنِ الْمَدْكُورِينَ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ عَنِ الْمَسْئُومِينَ، وَ فَشَتْ نِعْمَتُكَ فِي جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»؛ در این فراز، امام(ع) با بیان تنزیه ذکر و اسماء الهی، از افاضه‌ی گسترده‌ی نعمت‌های خداوند به تمامی مخلوقات سخن می‌گوید و ستایش و شکر را ویژه‌ی پروردگاری می‌داند که فیاض علی‌الاطلاق است. در تفسیر الهی‌قمشه‌ای بر این بخش، بر عمومیت فیض



الهی تأکید شده است؛ به گونه‌ای که هیچ موجودی از دایره‌ی افاضه‌ی نعمت الهی خارج نیست (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۶: ۲۶۱).

از منظر عرفانی، تعبیر «فَسْتُ نِعْمَتُكَ» اشاره به اشاعه‌ی مستمر و فراگیر فیض دارد که ناشی از اسماء جمالیه‌ی الهی و اقتضای ذات ربوبی است. به تعبیر فیض کاشانی، گستردگی نعمت الهی اقتضا می‌کند که شکر انسان نیز حالت تداوم و استمرار داشته باشد و در هر لحظه با تجدد نعمت، شکر جدیدی بر انسان واجب گردد (فیض کاشانی، بی‌تا: ۴۳۱). مدرس افشاری نیز در شرح خود بر صحیفه، با تأکید بر تربیت معنوی مبتنی بر شکر، بیان می‌کند که این نوع مواجهه با نعمت، انسان را به درکی شهودی از افاضه‌ی ربوبی سوق می‌دهد (مدرس افشاری، ۱۳۸۷: ۲۹۵).

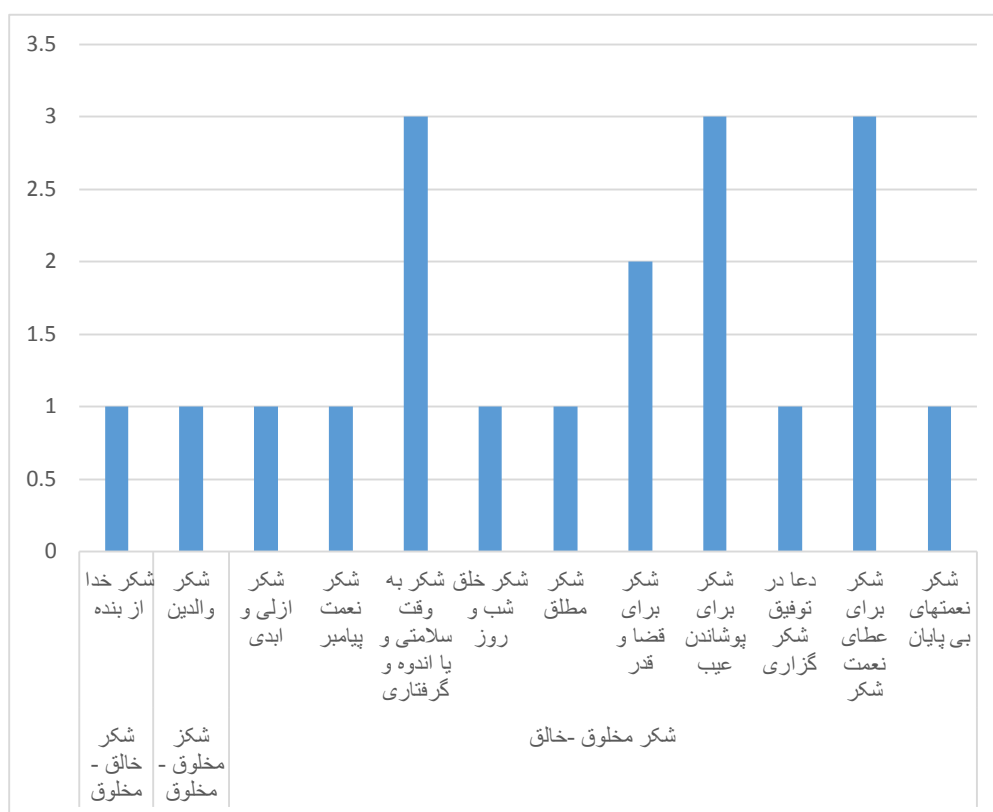
از منظر حکمت متعالیه، آن گونه که علامه طباطبایی اشاره می‌کند، چون صدور نعمت از ذات باری تعالی تابع علم، قدرت، و رحمت مطلقه‌ی اوست، بنابراین حمد و شکر در برابر این نعمت نیز باید مطلق و مستمر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۷/۱). از بعد تربیتی، چنین نگاهی به نعمت‌های الهی سبب می‌شود تا شکر، نه تنها واکنشی آنی به دریافت نعمت، بلکه فرایندی دائمی، آگاهانه و فزاینده باشد. این بینش، موجب تربیت انسان شاکر و بیدار می‌گردد که در هر لحظه، خود را مشمول فیض الهی می‌داند و در نتیجه، مسئولیت معرفتی و اخلاقی در برابر آن احساس می‌کند. قرآن کریم نیز این حقیقت را یادآور می‌شود که شمارش نعمت‌های الهی برای انسان ممکن نیست: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (ابراهیم: ۳۴).

نتیجه‌گیری:

شکرگزاری یکی از پدیده‌های مهم در حوزه اخلاق و روابط انسانی است، از دیدگاه دین به خصوص شکر نسبت به خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد. در صحیفه سجادیه که در قالب دعا، در رابطه انسان با خداوند، مفاهیم دینی عمیقی آمده است، شکر نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ اما از دیدگاه صحیفه سجادیه مفهوم شکر از آن رو که نعمت خداوند ازلی است، ماهیتی پیوسته و ابدی دارد و با کلیدواژه نعمت‌های متنوع الهی پیوند ناگسستنی دارد؛ به گونه‌ای که رستگاری در مقابل نعمت با شکر میسر است و همچنین، شکر نسبت به خداوند در قالب حمد ظاهر شده است و بر تمامی سپاسگزاری‌ها اشراف دارد؛ به گونه‌ای که همه شکرها از آن خداست و آن چه نسبت به مخلوقات نیز صورت می‌گیرد، تصویری از



شکر نسبت به خداوند است. با توجه به بررسی‌هایی که پیرامون صحیفه سجادیه شکل گرفت، با قاطعیت می‌توان گفت که تحلیل مفهومی نسبت به تحلیل مصداقی در صحیفه کمتر به کار رفته است. در زمینه تحلیل مصداقی، در صحیفه سجادیه انواع مختلف شکر خالق-مخلوق، شکر مخلوق-خالق، شکر مخلوق-مخلوق وجود دارد که هر کدام از این موارد زیرمجموعه‌هایی دارند؛ کم‌ترین فراوانی شکر مخلوق - مخلوق با یک زیر مجموعه و یک فراوانی بنام شکر فرزند از والدین که در دعای ۲۴ صحیفه سجادیه به کار رفته است و بیش‌ترین فراوانی را شکر مخلوق - خالق داشته است.



نمودار ۱- فراوانی حمد و شکر در صحیفه سجادیه



فهرست منابع:

- قرآن کریم
- صحیفه سجادیه
- ابن فارس، احمد ابی حسین. (۱۴۰۴). **معجم مقانیس اللغة**. قم: مکتب الاعلام اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). **لسان العرب**. بیروت: نشر دار صادر.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۸). **شرح صحیفه سجادیه**. قم: دارالعرفان.
- آیتی، عبدالحمید. (۱۳۷۵). **صحیفه سجادیه**. تهران: سروش.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). **رحیق مختوم**. قم: اسراء.
- ----- (۱۳۹۲). **تفسیر موضوعی صحیفه سجادیه**. قم: نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷). **المصاحح تاج اللغة و صحاح العربية**. تحقیق: عطارد، احمد عبد الغفور. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۳). **شرح صحیفه سجادیه**. تهران: انتشارات فکر روز.
- حیدری، کمال. (۱۴۰۷). **شرح نهیة الحکمة للعلامة الطباطبائی**. بیروت: مؤسسه للطباعة و النشر.
- حیدری، محمدرضا. (۱۴۳۷ق). **مبانی تحلیل مفهومی در منطق**. قم: مؤسسه نورالهدی.
- دکامی، محمدجواد. (۱۴۰۱). عبادت و راز و نیاز عاشقانه در تعالیم اسلامی. دوفصلنامه دعاپژوهی، ۲(۲)، ۱۱۱-۱۰۱.
- راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۶ق). **شرح دعای صحیفه سجادیه**. قم: دفتر نشر الهادی.
- رجبی دوانی، محمد. (۱۳۹۵). «نقش مصداق در بازخوانی مفاهیم قرآنی». **پژوهش های معرفتی در علوم قرآن و حدیث**، ۴(۲): ۸۵-۱۰۳.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۶). **کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی**. قم: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.
- زمخشری، محمد بن عمر. (۱۹۷۹). **اساس البلاغة**. قم: دار صادر.
- سیحانی، جعفر. (۱۴۲۱ق). **المفاهیم العامة للقرآن**. قم: مؤسسه الإمام الصادق.
- شوشتری، محمدتقی. (۱۳۷۸). **بهج الصالحین: شرح صحیفه سجادیه**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴). **فتح القدير**. بیروت: دار ابن کثیر.
- صدر، سید رضا. (۱۳۷۵). **پرتویی از صحیفه سجادیه**. تهران: انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). **تفسیر المیزان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین محمد. (۱۳۷۵). **مجمع البحرين**. تحقیق: احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
- طهرانی، سید محمدحسین. (۱۴۲۵). **نور ملکوت قرآن در شرح ادعیه**. مشهد: انوارالحق.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰). **فروق فی اللغة**. بیروت: دار الفاق الجديدة.



- عشریه، رحمان، خرمی، محمد علی و کجوری نژاد، طَیبه . (۱۴۰۲). عوامل تأثیرگذار در پایداری «رزق طیب» از منظر امام سجاد علیه السلام . دوفصلنامه دعاپژوهی 59-42, 3(5) ,
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). **العین**. قم: نشر هجرت.
- فهری، محمدباقر. (۱۳۸۶). **شروح و درر منشور از صحیفه کامله**. قم: نشر فجر.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (۱۹۹۵). **قاموس المحيط**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۷۵). **ترجمه و شرح صحیفه سجادیه**. تهران: انتشارات اسلامیه.
- فیض کاشانی، محمدمحسن. (بی تا). **شرح صحیفه کامله سجادیه**. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴). **المصباح المنیر**. قم: مؤسسة دارالهجرة
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). **قاموس قرآن**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین. (۱۳۷۲). **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**. تهران: فراهانی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۴). **دانش نامه معارف صحیفه سجادیه**. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مدرس افشاری، محمدعلی. (۱۳۸۷). **شرح آفاق معرفت در صحیفه سجادیه**. قم: مؤسسه فرهنگی فهیم.
- مدرسی، سید محمد تقی. (۱۲۲۴). **المنطق الاسلامی**. تهران: دار محیی الحسین (ع)
- ----- (۱۴۲۴ق). **منطق و زبان قرآن**. بیروت: دارالمعرفه.
- مدنی شیرازی، سیدعلی خان. (۱۴۰۹). **ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین امام علی بن الحسین (ع)**. تحقیق: محسن حسینی امینی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸). **آموزش فلسفه**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ----- (۱۳۸۲). **آموزش معارف اسلامی (شرح موضوعی صحیفه سجادیه)**. ج ۱. قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). **مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی**. بیهوش اسلامی. تهران: صدرا.
- ----- (۱۳۸۷). **آزادی انسان**. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). **پیام امام سجاد (ع)**. قم: مدرسه امام علی (ع).
- ----- (۱۳۷۷). **اخلاق در قرآن**. قم: مدرسه علی بن ابی طالب.
- نراقی، احمد. (۱۳۷۸). **معراج السعاده**. قم: انتشارات هجرت.
- الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۸۶). **شرح صحیفه سجادیه**. تهران: پیام آزادی

